

سرزمین و تمدن ناشناخته قتبان

دکتر سیداصغر محمودآبادی^۱

مهدی عزتی^۲

چکیده:

جنوب شبه جزیره عربستان (یمن) پیش از ظهور اسلام به سبب وجود تمدن‌های درخشان شناخته شده است. از میان چهار تمدن مهم جنوب عربستان؛ معین، قتبان، سباء و حضرموت، سرزمین و تمدن قتبان بیش از همه ناشناخته و گمنام مانده است. این موضوع را می‌توان از لایه لای تحقیقات جدید راجع به عربستان پیش از اسلام به وضوح مشاهده کرد و تنها اندکی از مورخان جدید به آن پرداخته‌اند. عدم وجود منابع و اطلاعات قبل از کشفیات باستان شناسی اخیر دلیل این امر می‌تواند باشد، زیرا تنها با کشف آثار باستانی و پیدا شدن سنگ نوشته‌های قتبانی تا حدودی راز و رمز تمدن درخشان قتبان بر ما آشکار شده است. در این جستار تلاش شده با منابع اندکی که در دسترس بوده، به برخی عناصر و ویژگی‌های تمدن قتبان از جمله سرزمین و ملت قتبان، ساختار حکومت آن‌ها، اقتصاد و معیشت و آثار برجای مانده از تمدن قتبان، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: یمن، قتبان، حکومت، تجارت و کشاورزی.

۱. دانشیار دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام

سرزمین و مملکت قتبان در جنوب غربی یمن قرار داشته و همسایه دولت‌های معین و سبأ و معاصر و هم روزگار با آنان بوده است. مرکز و پایتخت سیاسی آن تمنع در وادی بیحان بوده که اکنون به هجر کحلان معروف است. در واقع وادی بیحان خواستگاه و سرزمین اصلی (مادری) قتبانیان بوده و از گذشته‌های دور به پرآبی، حاصلخیزی و وجود بوستان‌ها و باغ‌ها شهرتی بسیار داشته است. (جواد علی، ۱۹۷۶: ۲/ ۱۷۳، ۲۲۲: نیز ببینید نقشه را در ضمیمه مقاله).

جغرافی‌دانان یونانی و روم باستان از سرزمین و کشور قتبان یاد کرده‌اند: تئوفراستیس (Theophrastus) در حدود ۳۱۲ ق. م از آنجا به عنوان Kittibaina یا Kattabaina یا Kitibaina یاد کرده (- به نقل از جواد علی، ۱۹۷۶: ۲/ ۱۷۱). استرابو به نقل از اراتوستن متذکر شده که قتبانی‌ها در بخش‌های جنوب غربی عربستان جنوبی و جنوب و جنوب غربی سرزمین سبأ می‌زیستند و حتی مملکتشان تا تنگه باب المندب امتداد داشته است. وی (استرابو) از قتبان با نام Kattabania و از تمنع با نام Tamna یاد کرده است (Strabo, 1930, v7, p311؛ مهران بیومی، {بی تا}: ۲۴۷).

پلینی جغرافی‌دان رومی نیز کشور قتبان را Catabanes یا Catabani نامیده بود (pliny, 1848, v1, p219, p265). در بین جغرافی‌دانان مسلمان تنها یاقوت حموی از قتبان به طور اختصار یاد کرده و قتبان را جایی در نزدیکی عدن دانسته است (یاقوت، ج ۴، ذیل واژه). بنابراین بر طبق گفته‌های جغرافی‌دانان قلمرو قتبانی‌ها در اوج قدرت شان از دریای سرخ تا سواحل اقیانوس هند امتداد داشته است (الموسوعه الیمنه، ۱۹۹۲: ۲/ ذیل واژه قتبان؛ مهران بیومی، {بی تا}: ۲۴۷).

تمنع مهم‌ترین شهر کشور قتبان بود. شهرت این شهر به حدی بوده که نام و آوازه آن به یونان و روم باستان رسیده بود و بیشتر نویسندگان آن دوره از آنجا نام برده‌اند (pliny, 1848, v1, p265 p485؛ مهران بیومی، همان: ۲۵۹). این شهر باستانی در پی کاوش‌های باستان‌شناسان آمریکایی، در محل کنونی هجر کحلان کشف و حفاری شد. تمنع شهری آباد و مترقی و دارای پرستش‌گاهی بزرگ بوده است. شهر یا منطقه

ای که در جنوب تمنع قرار داشت، ذی غیلان نام داشت. این شهر به دستور یدع اب غیلان بنا گردید و در محل کنونی هجر بن حمید در شمال بیحان القصاب است. (جواد علی، ۱۹۷۶: ۲/ ۲۳۲؛ فلیپس، ۲۰۰۱: ۳۲۵). حریب یا وادی حریب نیز شهر یا سرزمین پر اهمیتی در قلمرو قتبانی بود و در سنگ نوشته‌ها از آن یاد شده است. ظاهراً شهری مهم که مرکزیت وادی حریب بود به نام شهر حریت در این ناحیه اهمیت بسیاری داشته است و سکه‌های قتبانی در آنجا ضرب می‌شده‌اند. این شهر امروزه در محل حجر حنو الزریر واقع شده است. (فلیپس، ۲۰۰۱: ۲۳۲-۲۳۴؛ با فقیه، ۱۹۸۵: ۳۰۲). ابن حائک همدانی از شهر حریب یاد کرده است (همدانی، ۱۹۸۵: ۸۰ و ۹۰ و ۱۰۳). شهر مهم دیگر برم بود و در یک سنگ نبشه به ساختن راهی میان این شهر و حریب اشاره شده است. این راه بسیار کوهستانی از تنگه‌ای به نام «مبلقه» می‌گذشته و قتبانی‌ها برای تجارت و امنیت رفت و آمد کاروان‌های تجاری آن را هموار و حتی در دل کوه شکاف‌ها و تونل‌هایی کنده بودند. از طریق این راه وادی بیحان به وادی حریب (یا بیحان القصاب امروزی) وصل می‌شد. هم‌چنین گفته شده این راه در امتداد راه بازرگانی و بین‌المللی بخور (یا عطر) ایجاد شده بود (جواد علی، ۱۹۷۶: ۲/ ۱۸۹-۱۹۲، ۳۲۱؛ با فقیه، ۱۹۸۵: ۳۰۳؛ فلیپس، ۲۰۰۱: ۲۳۱-۲۳۳؛ الموسسه الیمنه، ۱۹۹۲: ۲/ ۷۵۴). در سنگ نوشته‌های قتبانی از شهرها و نواحی دیگری در زمره سرزمین‌های قتبانی بوده، نام برده شده است: شور (یا شوم)، لتلک، ذبحتم، دتنه، لبخ و دهس و اوسان و ... (جواد علی، همان: ۲/ ۲۳۲، ۴۹۸).

قبایل و شعب (ملت) قتبانی:

ساختار اجتماعی قتبانی از اتحادیه قبایل و یا مجموعه‌ای از واحدهای اجتماعی شکل گرفته بود. در گویش قتبانی، قبیله را «شعب» می‌گفتند که در عربی به معنی «ملت» است (جواد علی، همان: ۲/ ۲۱۸).

حضور گسترده قبایل یا شعب‌ها در ساختار دولت قتبانی، نشان از قدرت قبایل و نظام قبیله‌ای و تعدد مراکز قدرت در این ساختار است. برخی از این قبایل اگرچه در دوره‌ای جزء اتحادیه قتبانی‌ها بودند، اما بعدها به صورت مملکتی مستقل از این اتحادیه جدا شدند. شعب اوسان که در قسمت جنوب سرزمین قتبانی بود پس از ضعف قتبانی از آنها

جدا شده و دولتی مستقل را تأسیس کردند. حتی برخی از قبایل قتبانی مانند: دنت، دهس و کحد و ... به اوسانیان پیوستند (جوادی، همان: ۵۰۲-۵۰۳). قبایل دیگری نیز بودند که ظاهراً مستقل بودند و تنها در مواقع جنگ با قتبان هم پیمان و متعهد می شدند و یا در اثر ضعف داخلی خود قبایل در تابعیت قتبانی ها در می آمدند. ردمانیان و مذحیم دو شعب (ملت) باستانی بودند که در برابر سبأ به دولت قتبان کمک و یاری می رساندند. (جوادی، همان: ۴۰۴-۴۰۵) در متن ها و نوشته های قتبانی نام بسیاری از قبایل متحد قتبان آمده است. حتی بعضی از این سنگ نوشته ها به فرمان رؤسای قبایل مذکور تدوین شده اند. برای نمونه در متن گلاسر (به شماره ۱۶۹۳) که به سفارش یذمر ملک، رئیس یا بزرگ قبیله ذران نوشته شده و در آن از جنگ ها و اقدامات خودش یاد کرده است (جوادی، همان: ۳۲۱). هوران، اهرین، طدام، یجر، ذرحان و ... قبایل دیگر اتحادیه قتبان بودند (جوادی، همان: ۲۱۸-۲۲۰).

در اخبار و نوشته های دوره اسلامی قتبانیان به درستی شناخته نشده بودند. در این منابع تنها در مورد آنها گفته شده است که قتبانیان از قبایل حمیر بوده اند که در مصراقت داشتند و برخی از اشخاص نیز منتسب به این قبیله بودند. (سمعی، ۱۹۸۸: ۴/ ۴۵۰-۴۵۱: الزبیدی، ۱۹۹۴: ۲/ ۳۰۴) به نظر جوادی علی به دلیل آنکه در نوشته های قتبانی و حمیری به این پیوند و ارتباط اشاره نشده، احتمال دارد این امر ناشی از دوره ضعف قتبانی و ادغام و انحلال آنها در حکومت سبأ و ذی ریدان بوده باشد. زیرا مورخان اسلامی این حکومت را با حکومت حمیریان یکی دانسته اند. (جوادی، همان: ۱۷۳) با وجود این، در منابع دوره اسلامی از برخی از قبایل هم پیمان قتبان مانند: جدم، ال یهر، قلیب، ردمان، مذحیم، یجر، رشم، و شخر و ... نام برده شده است (ابن درید، ۱۹۸۹: ۱۲۶: همدانی، ۱۹۶۳: ۸/ ۵۱، ۷۶: جوادی، همان: ۲۲۰).

دولت و حکومت قتبان:

نظام فرمانروایی و اجرایی قتبان به دو نوع ساختار و تشکیلات متفاوت تقسیم می شد که بر مبنای آن این حکومت دو دوره متمایز از هم را شامل می شد؛ حکمرانان اولیه قتبان خود را «مکرب» می خواندند. مکرب در زبان عربی امروزی «مقرب» است و به

معنی نزدیکی به خدایان بوده است. در واقع منظور از مکرب، کاهن- حاکمی بود که نزدیک به خدا و واسطه میان او با مردم بوده است. بنابراین مکربان از سوی خدا بر مردم حکومت می کردند (جوادعلی، همان: ۱۷۹). مکرب ها در حالت اولیه در میان قوم و قبیله خویش کاهن و روحانی پرستش گاهها بودند و به تدریج بر قدرت و نفوذشان افزوده شد و از درون پرستش گاه ها فراتر رفت. اینان اکنون علاوه بر جنبه های دینی به رتق و فتق امور دنیوی مردمان نیز روی آوردند و مردم آنها را به عنوان حاکمان رسمی خود شناختند. بنابراین کهن ترین حاکمان قتلان مکربان بودند و گفته شده تا حدود قرن پنجم ق.م فرمان می رانددند(فلیپس، ۲۰۰۱: ۳۲۱، جواد علی، همان: ۱۷۹-۱۸۰). از متن نوشته ها چنین بر می آید که مکرب ها سرپرستی تمام قبایل پرستنده عم، بزرگترین خدای قتلانی ها را به عهده داشته اند(جواد علی، همان: ۱۸۷؛ مهران بیومی: ۲۵۰). سنگ نوشته ها، یدع اب ذبیان را آخرین مکرب و نیز اولین ملک (یا پادشاه) قتلانی معرفی می کنند. یدع اب ذبیان در اواخر قرن پنجم ق.م قدرت داشت که پس از مدتی لقب مکرب را کنار گذاشته و لقب ملک را بر خود نهاده است(فلیپس، ۲۰۰۱: ۳۲۱-۳۲۲). اگر چه در نوشته مربوط به شهر یجل یهرجب نیز لقب مکرب برای وی ذکر شده است، در حالی که این فرمانروا پس از بدع اب ذبیان حکومت داشته است. احتمال می رود که مردم با توجه به جنبه دینی و معنویت حاکمان، هم چنان پس از یدع اب ذبیان نیز واژه مکرب را برای آنان بکار می بردند(جواد علی، همان: ۲۰۹-۲۱۰). در سنگ نوشته ای که از پادشاه یدع اب ذبیان به جای مانده راجع به وظایف و اختیارات پادشاه مواردی گفته شده است. در این سند، پادشاه بالاترین مرجع و مقام حکومت بوده و تنها کسی بوده که اختیار انتشار قوانین و فرمان اجرای آن را دارا بوده است. ظاهراً نهادی به نام «مزود» متشکل از نمایندگان شهرها و روستاییان و قبایل مختلف این قوانین را جمع آوری و به تصویب شورای مذکور می رساندند و سپس آن را برای تایید پادشاه می فرستادند، تا در صورت تایید منتشر و اجرائی شوند(جوادعلی، همان: ۱۹۲-۱۹۳). هم چنین پادشاه وظایف دیگری چون فرماندهی جنگ ها، فرمان تنظیم مقررات مربوط به مالیات، زمین داری و نیز بنای پرستش گاه ها و معابد و کاخ ها را داشته است.

آغاز و سرانجام دولت قتبان به درستی دانسته نیست، زیرا تمام آگاهی و اطلاعات ما بر پایه پژوهش‌های باستان‌شناسی استوار است که هنوز ادامه دارد. برخی آغاز این دولت را به پیش از هزاره اول ق.م رسانده‌اند (مهران بیومی، همان: ۲۴۹). برخی نیز اوایل سده ششم ق.م را آغاز فرماورایی قتبانی دانسته‌اند (جوادی‌علی، ۱۹۷۶، ج ۲، ص ۱۷۶). جام jam، باستان‌شناس آمریکایی، تاریخ احتمالی اولین نقوش و نوشته‌های قتبانی را قرن ده یا یازده ق.م تخمین زده است (فلیپس، ۲۰۰۱، ص ۳۲۱). از سوی دیگر، ترتیب زمانی (کرونولوژی) و سالشماری مکریان و ملوک قتبان مغشوش و آشفته است و محققان فهرست‌های متفاوتی از آنها را ارائه کرده‌اند. اکثر پژوهشگران، قدیمی‌ترین و یا اولین مکرب را سمه علی وتر پدر هوف عم یهنعم معرفی کرده‌اند. برخی حکومت وی را سده ششم و برخی نیز در حدود ۸۴۵ ق.م نوشته‌اند (جوادی‌علی، ۱۹۷۶، ج ۲، صص ۱۷۷، ۲۳۲-۲۴۰).

دولت قتبان همزمان با دولت‌های قدرتمند و متمدن جنوب عربستان چون معین، حضرت موت، سبأ و حمیر بود. بر طبق سنگ نوشته‌ها، قتبانی‌ها در دوره‌هایی که در اوج قدرت شان بودند بر برخی از سرزمین‌های همسایه حاکمیت و نفوذ داشتند. بر همین اساس گفته شده در عهد یدع اب یجل، فرمانروای قتبان در سده چهارم ق.م، بیشتر سرزمین حمیر مطیع و فرمانبردار قتبان بوده و به همین دلیل در این زمان حمیریان خود را فرزندان عم (خدای بزرگ قتبان) می‌خواندند (جوادی‌علی، ۱۹۷۶، ج ۲، صص ۱۸۳، ۵۱۸-۵۱۸). هم چنین در یکی از سنگ نوشته‌های معینی به سلطه و سروری قتبانیان در زمان فرمانروایی شهر یجل یهرجب بر پادشاهان معین اشاره شده است برخی تاریخ فرمانروایی شهر یجل را ۸۲۵-۸۰۰ ق.م دانسته‌اند، که در این زمان دولت سبأ هنوز تأسیس نشده بود و احتمالاً قبایل آن مطیع قتبان بوده‌اند (جوادی‌علی، ۱۹۷۶، ج ۲، ص ۲۰۷). بعضی از محققان فرمانروایی شهر یجل را اوایل قرن اول ق.م می‌دانند و بر این باورند که سلطه قتبان بر دولت معین مدت طولانی دوام نداشته زیرا سبائی‌ان در این هنگام قدرتمند شده بودند و توانستند معین را به زیر فرمان خویش درآورند. از سوی دیگر در این هنگام، حمیریان نیز بر قسمت‌های جنوبی قتبان که تا دریا امتداد داشت، مسلط شدند، و بنابراین قتبانیان نتوانستند استیلای خود را بر

معنیان تداوم بیخشدند. در سنگ نوشته دیگر معینی نام دو کاهن قتبانی در مراسم تاج گذاری الیفغ یشر پادشاه معین آمده که دلالت بر پیوندهای بسیار نزدیک سیاسی میان دو دولت دارد و شاید حاکی از استقلال داخلی معین در عین فرمانبرداری از قتبان باشد. شاید هم این دو با هم متحد و هم پیمان بوده اند (جوادعلی، ۱۹۷۶، ج ۲، صص ۹۶، ۲۰۷). هم چنین بر اساس نوشته ای که در شهر کحلان پیدا شده و مربوط به روزگار شهر هلال بن ذراکرب (یا شاید شهر هلال یهقبض بن ذراکرب) است، همه ملت معین یا بخشی از آنها زیر فرمان این پادشاه قتبان بوده است. برخی معتقدند حکومت شهر هلال به قبل از فرمانروایی شهر یجل یهرجب بر می گردد و برخی دیگر وی را جزء آخرین پادشاهان قتبانی دانسته اند (جواد علی، ۱۹۷۶، ج ۲، صص ۲۱۲-۲۱۳؛ فلیپس، ۲۰۰۱، صص ۳۲۳).

اما روابط قتبان با دولت سبأ بیشتر خصومت آمیز به نظر می رسد. از روزگار مکران سبائی دشمنی میان این دو همسایه وجود داشته است. از نوشته ای که مربوط به مکران سبائی، یثع امر، چنین پیداست که او به سرزمین سمه وتر فرمانروایی قتبان هجوم برده و حدود ۴ هزار از جنگجویان قتبانی را کشته است (جوادعلی، ۱۹۷۶، ج ۲، صص ۲۸۳). در نوشته مربوط به کاهن سبائی به نام تبع کرب، از جنگ خونین و طولانی مدت یاد شده که به دنبال هجوم قتبانیان به سرزمین سبأ به وقوع پیوسته است. ظاهراً این جنگ پس از ۵ سال، با عقب نشینی قتبانی ها خاتمه یافته و پیمان صلح پس از آن میان دو کشور منعقد گشته است (جوادعلی، ۱۹۷۶، ج ۲، صص ۳۲۰-۳۲۱). در متن گلاس (به شماره ۱۶۹۳) نیز از جنگ میان دو دولت در عهد فرمانروایی یدع اب یجل پسر زمر علی یاد شده است. تدوین کننده این سنگ نوشته یذمر ملک رئیس و بزرگ قبیله ذران، در این جنگ نقش مهمی داشته و بر چندین قبیله سبائی و املاک شان چیره گشته و آنها را به نفع دولت قتبان مصادره کرده است (جواد علی، ۱۹۷۶، ج ۲، صص ۱۹۷، ۳۲۱). در متن مذکور از مملکت و ملت رعین نام برده شده که هم پیمان سبأ در مقابل قتبان بوده اند. به نظر می رسد قتبانیان در سرزمین رعین همواره منافع مهمی را دنبال می کرده اند (جوادعلی، ۱۹۷۶، ج ۲، صص ۳۲۱، ۵۱۹). البته در یک متن سبائی (گلاس ۱۶۰۰) به همکاری و اتحاد قتبان با سبأ در موقعی که کرب ایل پادشاه سبأ به

سرزمین اوسان حمله کرده، اشاره شده است که طی آن سبأییان برخی از سرزمین های اشغال شده اوسان را به قتبان بخشیده اند(جوادعلی، ۱۹۷۶، ج ۲، ص ۵۰۲-۵۰۳).

اگرچه اکثر محققین و باستان شناسان جنوب عربستان در مورد پایان یافتن استقلال حکومت قتبان به دست سبأ هم نظراند، ولی در مورد زمان این واقعه و چگونگی اش آرای متفاوتی ابراز داشته اند. برخی آن را حدود ۵۴۰ ق.م و دیگران به تناوب زمان آن را تا حدود ۲۰۰ بعد از میلاد ذکر کرده‌اند. البته پایان حکوت قتبان به معنای از بین رفتن ملت و مردم قتبان نبوده، زیرا بطلمیوس از ملت Kottabani یا Kattabani در میان ملت های ساکن جزیره العرب یاد کرده است(مهران بیومی، ص ۲۵۷-۲۵۸؛ جواد علی، ۱۹۷۶، ج ۲، ص ۲۱۷). به نظر البرایت باستان شناس آمریکایی، آخرین پادشاهان قتبانی در خلال قرن اول ق.م می زیستند و یکی از آخرین آنها شهر هلال یهقبض بن ذراکرب است که بنای «بیت یفعم» در ورودی دروازه جنوبی شهر تمنع منسوب به وی می باشد. به گمان این باستان شناس، دوره فترت ۳۵۰-۵۰ ق.م مهم ترین مرحله تاریخ قتبان است، زیرا سقوط حکومت قتبان و اشغال سرزمین آنها توسط دولت‌های سبأ و معین در این زمان به وقوع پیوسته است. بر اساس گفته وی، شهر تمنع کمی قبل از ظهور مسیح (حدود ۵۰ ق.م) در اثر هجومی بی رحمانه دچار حریق و آتش سوزی شده که آثار آن به صورت لایه های خاکستر بر روی ویرانی ها نمایان است. البته هنوز معلوم نیست چه کسی یا دولتی مسئول آتش سوزی بوده و انگیزه اش چه بوده است(فلیپس، ۲۰۰۱، ص ۳۲۳). در سنگ نوشته کشف شده در هجر بن حمید به نبط بن عم یهنعم و پسرش مرثد اشاره شده و ظاهراً در فاصله ۲۵ ق.م تا ۱ میلادی در حریب و نواحی غربی سرزمین قتبان حکومت داشته است. احتمالاً نبط عم یهنعم و پسرش مرثد از پادشاهان آخر قتبانی بوده اند که پس از ویرانی شهر تمنع به شهر (یا شاید هم کاخ) حریب کوچ کردند و آنجا را مرکز جدید حکومت خویش قرار دادند(جوادعلی، ۱۹۷۶، ج ۲، ص ۲۱۵؛ مهران بیومی، ص ۲۵۸). هم چنین گفته شده در سده اول میلادی و پس از سقوط تمنع مملکت حضرت موت قسمت دیگری از سرزمین قتبان را اشغال کرده است (Britannica, v2, p176). در این زمان دو دولت حضرت موت و سبأ و ذی ریدان مهم ترین دولت‌های عربستان جنوبی بودند. بنابراین از آن زمان به تدریج قتبان استقلال

خودش را از دست داد و سرانجام در حکومت سبأ و ذی ریدان ادغام گشت (فلیپس، ۲۰۰۱، ص ۳۲۴).

اقتصاد، تجارت و کشاورزی:

در سنگ نوشته های قتبانی در مقایسه با سنگ نوشته های دیگر دولت‌های جنوب عربستان، درباره وضع قوانین بازرگانی، مالیات کشاورزی و زمینداری مطالب بیشتری مشاهده می شود (جوادی علی، ۱۹۷۶، ج ۲، ص ۱۷۲). در واقع این گونه سنگ نوشته ها، قراردادهای یا قوانین رسمی بودند که بین دولت قتبان و کارمندان و گروه های مختلف اجتماعی و اصناف تنظیم می شد و تعهدات طرفین را مطرح می کرد. این قوانین (سنگ نوشته ها) در مکان های عمومی و مهم شهر مانند پرستش گاه ها، میدین و دروازه های شهر قرار می دادند تا همه اقشار جامعه از آنها مطلع شوند. بررسی این متون نشان داده قتبانیان در امر تجارت علاقه و استعداد زیادی داشته اند. سنگ نوشته مربعی شکل در ویرانه های شهر تمنع کشف شده است که هر چهار طرف آن نوشته شده، اگر چه یک طرف آن کاملاً صاف و غیر قابل خوانا می باشد. محتوای این سنگ نوشته شامل مجموعه ای از قوانین و نظام نامه های بازرگانی است و چنین استنباط شده است که در محل کشف این سنگ نوشته مکانی وجود داشته که بازار شهر تمنع در آن واقع بوده است. ظاهراً این بازار شمر *smr* نام داشته و مرکز تجارت بین المللی بوده، زیرا به تجار معینی و غیر قتبانی مقیم آنجا نیز اشاره شده است (beeston, 1959, p2-16). هم چنین سکه های کشف شده قتبانی در قرن سوم ق.م به بعد و به تقلید از یونانی ها ضرب شده که بعداً در ضرب آنها شیوه بهتری بکار بردند. برخی از مسکوکات پیدا شده که به نظر می رسد مربوط به نواحی دیگری غیر از عربستان جنوبی اند و این مسأله حاکی از روابط تجاری گسترده با نقاط دیگر است (اسلام، چاپ دوم، ذیل واژه). حتی برخی از جغرافیدانان به رونق تجاری در تمنع و نواحی مجاور آن از طریق راه بخور (عطر) اشاره کرده اند (pliny, 1848, v1, p256)؛ الموسسه الیمینی، ۱۹۹۲، ج ۲، ص ۷۵۶؛ فلیپس، ۱۹۶۱، چاپ عمر دیراوی، مقدمه).

قتبانی ها در کشاورزی و مسائل مربوط به زمینداری نیز مهارت داشتند. این امر را هم می توان در آثار بر جای مانده از تأسیسات و تنظیمات آبیاری (د.ا.چاپ دوم، ذیل واژه) و

نیز در لابه‌لای نوشته های قتبانی متوجه شد. در نوشته (RP3962) به آبادکردن زمین های کشاورزی پردخت و پرثمر توسط شخصی به نام «برم» اشاره شده است (جوادعلی، ج ۲، ص ۲۱۲). نوشته دیگری وجود دارد که به مناسبت کندن یک حلقه چاه برای آبیاری زمین های کشاورزی بوده و مردی به نام نبط عم آن را تدوین کرده است (جوادعلی، ۱۹۷۶ ج ۲، ص ۱۹۵-۱۹۶). در نوشته مهمی که بنا به دستور پادشاه شهر یجل بهرجب نگارش شده درباره چگونگی بهره بردای از زمین و تقسیم آن میان قبایل و عشایر و کشاورزان بحث شده است و این کار با مشورت بزرگان دولت و سران قبایل به صورت قانونمند و مورد تأیید پادشاه قتبان انجام می گرفت. زمین های موقفی بسیاری نیز وجود داشته که متعلق به معابد خدایان قتبانی بود و کشاورزان بر روی آنها کار می کردند (جواد علی، ج ۲، ص ۲۰۸). هر طایفه و قبیله در پیرامون زمین کشاورزی خود زندگی می کرد. و افراد طایفه در کار کردن بر روی زمین با یکدیگر همکاری می کردند. محصولات نیز میان همه افراد تقسیم می شد و مالیات را به بزرگ یا «کبر» قبیله که نماینده پادشاه و حاکم منطقه بود می پرداختند (جوادعلی، ج ۲، ص ۲۰۰-۲۰۱). پرداخت مالیات کشاورزان بر پایه گاه شماری کشاورزی و بر اساس فصل کاشت و برداشت اخذ می شد (جوادعلی، ج ۲، ص ۲۱۳).

در نوشته ای (به شماره گلاسر ۱۶۰۱) مربوط به پادشاه شهر غیلان بن ابشم، به چگونگی پرداخت مالیات و انواع آن اشاره شده است. بر طبق این سند «بزرگ» قبیله (کحدذ دتنت) کار گردآوری مالیات را انجام می داده و مالیات سال به سال پرداخت می شده است. در این سند از مالیات عشر، که یک دهم سود خالص فروش و یا ارث بود، و مالیات عصمم، که باجی برای اداره و هزینه معابد بود، یاد شده است. هم چنین از اصطلاحات دیگری مانند ودم، شفتم، بنتم، و... نامبرده شده که منظور از آنها انواع نذرها، قربانی و هدایای تقدیمی به خدایان قتبان بوده است. این نوع هدایا در مناسبت های گوناگون پرداخت می شد و اجباری نبوده است (جوادعلی، ۱۹۷۶، ج ۲، ص ۱۹۸-۱۹۹).

زبان و گویش:

گویش‌های ملت‌های جنوب عربستان بر پایه زبانی مستقل از میان شاخه جنوبی زبان‌های سامی، به طور مشخص عربی و نیز آرامی و اتیوپیایی استوار بود (د.اسلام، چاپ دوم، ذیل واژه). بررسی نوشته‌های قتبانی و دیگر ملل عربستان جنوبی آشکار ساخته است که گویش قتبانی به گویش معینیان و حضرمی‌ها نزدیکتر بوده است. برای نمونه یک ویژگی مشترک آنها کاربرد بیشوند حروف «سین» برای متعدی کردن فعل و ضمائر پیوسته و نیز بن صیغه سوم شخص مفرد است. بر خلاف این در گویش سبأیی به جای آن از حرف «ه‌اء» استفاده می‌شد. هم‌چنین در گویش‌های قتبانی و معینی در پایان لغت و عبارت حرف «واو» تلفظ می‌شود ولی در گویش سبأیی به جای آن حرف «ی» تلفظ می‌گردید (بیستون، ۱۴۱۲، صص ۱۴-۱۵، ۴۷؛ با فقیه، ۱۹۸۵، صص ۹۱-۹۳).

گفته شده این شباهت گویش‌ها و تفاوت آنها با گویش سبأیی به این دلیل بوده که قتبانیان و معینیان و حضرمی‌ها قبل از سبأیی‌ها در این منطقه می‌زیسته‌اند و سبأییان مدتی بعد با گویش دیگر وارد آنجا شده‌اند (فلیپس، ۲۰۰۱، صص ۸۶-۸۹). الفبای نوشتاری قتبانی‌ها همانند دیگر ملل عربستان جنوبی الفبای سامی جنوبی بود و دارای ۲۹ حرف بوده است (بیستون، ۱۴۱۲؛ صص ۱۱؛ فلیپس، ۲۰۰۱، صص ۸۷).

کیش و مذهب:

در روزگار فرمانروایی قتبانیان کیش و آیین چند خداپرستی در ناحیه متمدن عربستان جنوبی غلبه داشت. خدایانی که پرستش می‌شدند ستارگان و اجرام آسمانی بودند و شامل سه خدای اصلی ماه (پدر)، خورشید (مادر) و زهره (پسر و فرزند آن دو) می‌شد (برهان الدین دلو، ۱۹۸۹، صص ۱۶۵-۱۶۶). در میان این خدایان، ماه برجسته‌ترین مقام را دارا بود که در گویش هر ملتی نامی متفاوت داشت و در قلمرو قتبانیان، «عم» گفته می‌شد (جوادی علی، ج ۲، صص ۵۰-۶۰). اهمیت این خدا در نزد مردمان قتبانیان چنان بود که تمام قبایل و شعب اتحادیه قتبانی خود را «فرزندان عم» می‌خواندند (ryckmans, 1951, p29؛ جوادی علی، ۱۹۷۶، ج ۲، صص ۱۸۹). عشر دومین خدای قتبانی بود که در نوشته‌ها ذکر آن بسیار آمده است و منظور از آن ستاره زهره

بود. سومین خدا، خدای خورشید یا همان شمس بود. هم چنین خدایان کم اهمیت تری نیز وجود داشتند که به آنها در سنگ نوشته های قتبانی اشاره رفته است. از جمله: انبی، ذات صنتم، حوکم، رحبن و ... (د.اسلام، چاپ دوم، ذیل واژه؛ جواد علی، ۱۹۷۶، ج ۲، ص ۱۹۵؛ فلیپس، ۲۰۰۱، ص ۱۰۶-۱۷).

ساخت معابد و پرستش گاه ها برای خدایان به ویژه برای خدای عم، امری افتخار آمیز بود که توسط پادشاهان و بزرگان قبایل انجام می گرفت (جواد علی، ج ۲، صص ۱۸۷-۲۰۲). به نظر می رسد که هر قبیله در محل زندگی شان دارای معبد خدای خود بوده است و به نام آن خوانده می شد. مثلاً در سنگ نوشته گلاسر (به شماره ۱۶۰۲) از طایفه لبخ که در اطراف پرستش گاه خدای عم زندگی می کردند، اشاره رفته است (جواد علی، ج ۲، ص ۲۰۱). سرپرستی معابد به عهده کاهنان بود. قدرت و نفوذ کاهنان به ویژه در اوایل فرمانروایی قتبانی ها آنچنان بوده که از میان آنها، مکربان برگزیده می شدند و بعدها مقامی همسو با پادشاهان داشتند. از نوشته مربوط به عهد وروایل غیلان یهنعم چنین بر می آید که زنان نیز در قلمرو قتبان می توانستند به مقام کاهنی برسند (جواد علی، ج ۲، ص ۲۱۱).

تقویم و گاه شماری:

در نوشته های عربستان جنوبی چنین بر می آید که اولاً نوشته هایی که تاریخ دار می باشند اندک اند و ثانیاً آنها از چندین شیوه برای تقویم و تاریخ گذاری وقایع استفاده می کردند؛ مانند سال های فرمانروایی پادشاهان، روزگار ریاست رؤسا و بزرگان قبیله و پدران خاندان ها. این روش ها در نزد معینی ها، سبایی ها و قتبانی ها به کار برده می شد. نوشته هایی که چنین تاریخ هایی دارند اگر چه بهتر از نوشته های بی تاریخ هستند، اما نمی توان از آنها زمان دقیق تدوین نوشته ها و ترتیب فرمانروایی پادشاهان را استنتاج کرد (جواد علی، ج ۱، ص ۴۶-۴۷).

در نوشته های قتبانی وقایع مهم را چنین تاریخ گذاری می کردند؛ «ورخس ذو سحر خرف ...» یا «ورخس ذو تمنع خرف ...». بنابراین «ورخ» به معنی ارخ و تاریخ بود و حرف سین که به آن پیوسته است علامت نکره اش بود. سپس نام ماه آمده که در مثال فوق

«ذو تمنع» و «ذو تمنع» دو ماه در تقویم قتبانی است. سپس واژه «خرف» به معنی سال به کار رفته و به دنبال آن نیز معمولاً نام پادشاه یا شخص می آمد که نوشته به نام وی تاریخ گذاری می شده. به طور مثال «خرف شهر یجل» یعنی سال شهر یجل که یکی از پادشاهان قتبان بوده اس (جوادی علی، ۱۹۷۶، ج ۱، ص ۴۷). به طور قاطع نمی توان گفت که این ماه ها وسال ها ثابت بوده اند و با تغییر افراد دگرگون نمی شدند. احتمالاً قتبانی ها تقویم دیگری که تقویم دولتی و مستند به سال های مالی (مالیات) بوده را نیز به کار می بردند، زیرا نام ماه های این نوع تقویم با تقویم هایی که به نام افراد نام گذاری شده فرق دارند (جوادی علی، ۱۹۷۶، ج ۱، ص ۴۸).

آثار و بقایای تمدن قتبان:

آنچه تا کنون در باره تمدن قتبان دانسته شده است نتیجه کشف سنگ نوشته های قتبانی و کاوش های باستان شناسی است. گلاسر Glasser در سفرش به یمن در ۱۸۹۲-۱۸۹۴ نخستین سنگ نوشته های قتبانی را پیدا کرد و به اروپا برد. هومل Homel پس از بررسی این سنگ نوشته ها اظهار کرد که قدمت این کتیبه ها به حدود هزار سال ق.م تا سده دوم ق.م باز می گردد. وی می توانست نام ۱۸ تن از پادشاهان قتبانی را از آنها استخراج کند. رود و کوناکیس N.Rhodokankis، نیلسن Nilsen و ... نوشته های قتبانی را مورد بررسی و پژوهش قرار دادند (جوادی علی، ۱۹۷۶، ج ۲، ص ۱۷۴-۱۷۵). در سال های ۱۹۵۰-۱۹۵۲ هیئت باستان شناسی امریکایی به رهبری فلیپس به کاوش و حفاری در منطقه وادی بیحان و شهر تمنع پرداخت (فلیپس، ۲۰۰۱، ص ۸۵-۸۶). این گروه به کاش در قسمت جنوب شهر تمنع و دروازه جنوبی آن پرداخت و آثار بارارزشی مانند دیگ های بزرگ، حلقه ها و گرندها و نوشته های برنزی و آهنی و ... پیدا شد. دروازه جنوبی تمنع دارای دو برج عمودی بزرگ بود که بر سنگ های آن نقش و نگارهای بسیاری دیده می شدند و آثار گرانبهای دیگر نیز در همین مکان کشف شد (فلیپس، ۲۰۰۱، صص ۱۴۳-۱۴۶؛ ۲۶۸). گروه باستان شناسی، خانه هایی را مشاهده کردند که معلوم شد «منزل یفعم» و «منزل یفش» نامیده می شدند و آثار گرانبهایی در آنجا کشف گردید (فلیپس، ۲۰۰۱، صص ۱۴۶-۱۴۸). هم چنین دو

مجسمه شیر برنزی در تمنع پیدا شد که بر روی یکی کودکی فریه نشسته و دیگری بدون سوار است. گفته شده این تندیس‌ها به تقلید از هنر هلنی بوده و به همین دلیل قدمت آنها به ۱۵۰ ق.م بعد می‌رسد (فلیپس، ۲۰۰۱، ص ۱۴۸-۱۵۶؛ دلو، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۵۵).

در محل کنونی حید بن عقیل قبرستانی حفاری و کشف شد که وضعیت تدفین مردگان و شکل قبرها را در نزد قتیانی‌ها نمایان می‌ساخت. قبرها از دو یا چهار اتاقک تشکیل می‌شدند که درهای آن به دهلیزی باز می‌شد. این نوع مقبره، خانوادگی بوده و استخوان‌های پراکنده افراد، کوزه و سفال و اشیای دیگری در داخل آنها پیدا شده است (فلیپس، ۲۰۰۱، ص ۱۷۲-۱۷۶، ۱۲۹-۱۳۱). در میان یک مقبره تندیس سر دختری که از سنگ مرمر ساخته شده کشف شد که از نظر هنری بسیار ظریف و با مهارت بالایی تراش خورده است. همراه این تندیس گردنبند طلائی به شکل ماه بود که نام دختر بر روی آن حک شده است. با وجود این باستان‌شناسی آن را «مریم» نام گذاری کرده‌اند (فلیپس، ۲۰۰۱، ص ۱۹-۱۷۲؛ دلو، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۵۲-۵۳). همچنین این گروه بقای معبد عثتر (فینوس) را در تمنع از زیر خاک بیرون کشیدند (فلیپس، ۲۰۰۱، ص ۲۵۳ به بعد). از محل هجر بن حمید نیز آثار و اشیایی بدست آمده که قدمت آنها به ۱۰۰۰ سال ق.م می‌رسد (فلیپس، ۲۰۰۱، صص ۲۴۷-۲۵۲، ۲۹۹). در تنگه مبلقه و وادی حریب کاوش‌های مهمی صورت گرفت، بخصوص سکه‌های طلا که در حریب ضرب شده بودند. (فلیپس، ۲۰۰۱، ص ۲۳۱-۲۳۵، ۳۰۱).

نتیجه‌گیری:

بنابراین می‌توان گفت قتیان در واقع شامل اتحادیه قبایل متعددی بودند که در سرزمینی به همین نام در جنوب عربستان و تقریباً همزمان با معینان، سبئی‌ها و حضرموتی‌ها می‌زیستند. ساختار فرمانروایی قتیان هم چون سبا دو دوره متفاوت را گذرانده است. البته شاید بهتر است بگوییم نظام سیاسی سبایی شبیه قتیان بوده زیرا برطبق اسناد موجود دولت قتیان قبل از دولت سبا شکل گرفته است. در دوره اول، مکربان (کاهن حاکم) فرمانروایان قتیان محسوب می‌شدند. ولی به نظر می‌رسد به تدریج با دنیوی شدن مقام

این حاکمان در اواخر قرن پنجم ق.م، نظام پادشاهی در قتلان شکل گرفته و حاکمان قتلان عنوان ملک (شاه) را بکار می بردند. در نظام پادشاهی قتلان، سلطنت اساسا موروثی بود و از پدر به پسر یا برادرشاه می رسید. شاه در راس قدرت قرار داشت و قدرت نظامی در دست او بود اما در کنار وی روءسای قبایل از قدرت بالایی برخوردار بودند و در تصمیم گیری های مهم به شاه مشورت می رساندند. البته باید توجه داشت که این قبایل با قبایل بوی مناطق بیابانی عربستان تفاوت داشتند. اگرچه این قبایل از لحاظ قرابت خونی به یکدیگر پیوسته بودند ولی برخلاف قبایل بدوی یکجانشین و کشاورز بوده و مجبور به پرداخت مالیات به حکومت مرکزی بودند.

یکی از وجوه برجسته تمدن های یمنی رونق تجارت و داد و ستد کالا با مناطق دیگر بود. گرچه اهمیت قتلانیان از این لحاظ به پای معین و سبا نمی رسید اما به لحاظ وضع قوانین تجاری پیشگام بودند. چنین به نظر می رسد که آنها در مرکز شهر تمنع دارای بازار بزرگی (شمر) بودند علاوه بر تجار داخلی، تجار معینی و دیگر ملل دنیا در آنجا به فعالیت تجاری مشغول بودند. هم چنین آثار بر جایمانده از تاسیسات و تنظیمات آبیاری سرزمین قتلان حاکی از رونق و پیشرفت کشاورزی بین مردم قتلان است. حاکمان قتلانی نیز با تقسیم زمین میان قبایل و عشیره ها عامل ترویج کشاورزی و آباد کردن زمین ها بودند.

خط و الفبای نوشتاری از مظاهر تمدن های بشری به شمار می رفت. قتلانی ها دارای خط و الفبای نوشتاری بودند که ریشه در الفبای سامی و آرامی داشت. آنها وقایع مهم، قوانین و احکام شاهان را بر روی سنگها و دیوارها می نگاشتند و به همین دلیل می توان گفت دارای تقویم و تاریخ نگاری نیز بودند. هر چند به نظر می رسد که سالشماری آنها مبنای خاصی ندارد و اصولا سالها را به نام پادشاهان نام گذاری می کردند.

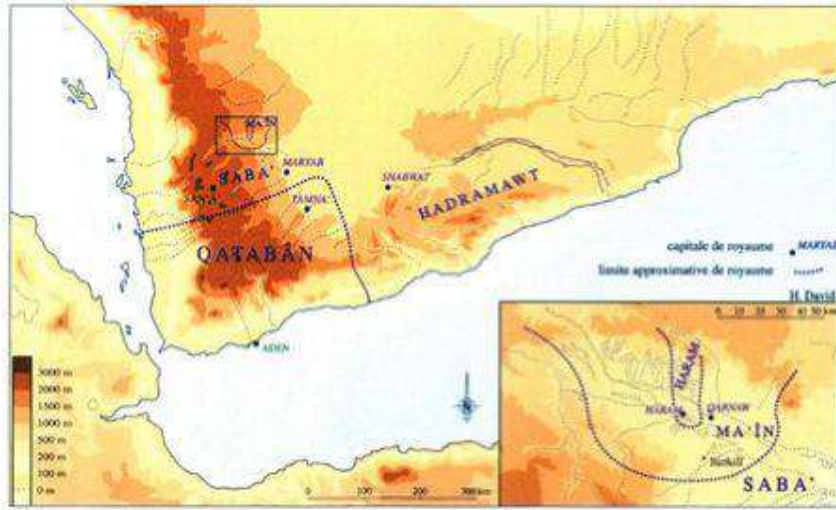
منابع:

- ابن دريد، (١٣٩٩/١٩٧٩) الاشتقاق، به تصحيح عبدالسلام محمد هارون، بغداد.
 محمد عبدالقادر بافقيه، (١٩٨٥) مختارات النقوش اليمينه القديمه، چاپ تونس.
 ف. ل. بيستون، (١٩٩٢/١٤١٢) قواعد العربيه الجنوبيه، ترجمه خالد اسماعيل، بغداد.
 برهان الدين دلو، (١٩٨٩) جزيره العرب قبل الاسلام، بيروت.
 الزبيدي، (١٩٩٤/١٤١٤) تاج العروس، به تصحيح على شيري، بيروت.
 سمعاني، (١٩٨٨/١٤٠٨) الانساب، به تصحيح عبدالله عمر البارودي، بيروت.
 جواد علي، (١٩٧٦) المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، بيروت.
 ويندال فليپس، (٢٠٠١/١٤٢٢) مملكتا قتبان و سبأ، ترجمه المفاضل عباس، به كوشش
 احمد عبدالرحمان السقاف، ابوظبي.
 همو، (١٩٦١) كنوز مدينه بلقيس، ترجمه عمرا لد يراوى، بيروت.
 محمد بيومى مهران، (بى تا) دراسات فى تاريخ العرب القديم، اسكندريه.
 الموسوعه اليمينه، (١٩٩٢/١٤١٢) صنعاً، ج ٢
 همدانى، الاكليل، (١٩٦٣/١٣٨٣) به تصحيح محمد بن على الاكوع الحوالى، قاهره.
 همو، (١٩٨٩) صفه جزيره العرب، به تصحيح محمد بن على الاكوع، بغداد.
 ياقوت حموى، (بى تا) معجم البلدان، چاپ بيروت.
 A.F.L.Beeston, The mercantile Cod of Qatban, London, 1959;
 Encyclopaedia Britannica, "Arabia",
 V.2;EI².s.v."KATABAN,(by.A.F.L. Beeston).
 G.Ryckmans, Les Reliyons Arabes Preislamiques, Louvain, 1951.
 Pliny, Histore Naturelle, Paris, 1848
 Strabo, The Geography of strabo, by. H.L.jones, London, 1930.



۱۸





۱۸

ماخذ:

ویندال فلیپس، مملکتا قتان و سبأ